

بخوان و بیندیش

## آفرینش حَلزون



اوایل فصل بهار بود. هوا گرم و گرم‌تر می‌شد. حیوانات جنب‌وجوش و تلاش را از سر گرفته بودند.

ملخ سوت‌زنان و شادی‌کنان به این طرف و آن طرف می‌جهید و می‌خندید. او با خودش گفت: «چه هوای خوبی! بهتر است به دیدن دوستم بروم و با هم، از این هوای خوب لذت ببریم.»

وقتی به طرف خانه‌ی دوستش راه افتاد؛ در مسیر، پایش لیز خورد و نتوانست درست راه برود و یک‌دفعه روی زمین افتاد.

در این لحظه عنکبوت از راه رسید. او با دیدن ملخ که روی زمین پهن شده بود، حسابی خنده‌اش گرفت، طوری که نمی‌توانست جلوی خنده‌اش را بگیرد. ملخ خیلی ناراحت شد و گفت: «عنکبوت، زمین‌افتادن خنده دارد؟»

عنکبوت خودش را جمع‌وجور کرد و گفت: «نه دوست من، از من ناراحت نشو!

من تو را مسخره نمی کنم. اصلاً به من بگو بینم چه کسی اینجا را لیز کرده است تا خودم حسابش را برسم؟»

ناگهان خود عنکبوت هم لیز خورد و افتاد. هر دو به هر زحمتی که بود، از زمین بلند شدند و به راه افتادند. همینطور که می رفتند به جانور عجیبی رسیدند و گفتند: «این دیگر چیست؟» او گفت: «سلام! اسم من حلزون است.» آن دو هم صدا گفتند: «از کجا پیدایت شده؟ تا حالا کجا بودی؟»

حلزون گفت: «از اوّل هم اینجا بودم، زمستان را داخل خانه ام خوابیده بودم! حالا که بهار آمده، از خواب بیدار شده ام.» آنها گفتند: «ولی ما که خانه ای نمی بینیم!»

حلزون گفت: «همین صدفی که پشت من است، خانه ی من است.» آنها با اخم گفتند: «چرا زمین را لیز

کرده ای؟ چطوری این کار را کردی؟»

حلزون گفت: «من مجبورم برای حرکت کردن، این مایع لغزنده را روی زمین بپاشم و

روی آن بخزم؛ چون مثل شما پا ندارم، این مایع لغزنده در خزیدن به من کمک میکند.»



آنها گفتند: «ما نمی دانستیم که تو با چه زحمتی راه می روی! از تو معذرت می خواهیم. رفتارمان بد بود!» حلزون گفت:

«نه، اینکه گفتم «مجبورم»، برای این نبود که بخواهم بگویم دارم زحمت می کشم؛ نه، خدا مرا اینطور آفریده و این مایع

لغزنده را هم در اختیار من قرار داده است. وسیله ی راه رفتن شما، پاهایتان است ولی من برای حرکت کردن میخزم.

همیشه هم خدا را شکر می کنم.»

ملخ و عنکبوت گفتند: «ما باید جلوی پایمان را خوب نگاه کنیم،

تا زمین نخوریم و کسی را هم سرزنش نکنیم.»



## درک و دریافت



۱ حلزون چگونه راه می رود؟ مایعی لغزنده را روی زمین می پاشد و روی آن می خزد.

۲ آیا عنکبوت و ملخ، مهربان بودند؟ برای پاسخ خود، دو دلیل از متن بیاورید.  
بله چون از حلزون بخاطر رفتار بدشان معذرت خواستند و وقتی خروس به حلزون نوک زد عنکبوت و ملخ ناراحت

۳ شدند و گریه کردند. کلمه ی «این» در بند هفتم، به چه کسی اشاره دارد؟ حلزون

۴ کلمه ی «این کار» در بند سیزدهم، به چه کاری اشاره دارد؟ لیز کردن زمین به وسیله ی حلزون

